

سهام عدالت در بطن خصوصی سازی

فاطمه احمدی* و سمیه عالیشوندی**

یکی از مهم ترین شاخصهای توسعه، توزیع عادلانه درآمد بین افراد جامعه است. به عبارت دیگر کاهش فقر و نابرابری اقتصادی همواره یکی از اهداف برنامه های توسعه ای بوده است. در کشور ما نیز دولت تصمیم گرفته است که سهام خود را در شرکتهای دولتی به تمام ایرانیان مقیم کشور واگذار کند. در این مقاله پس از بررسی تجربه کشورهای دیگر، با نگاهی اجمالی به ویژگیها و شرایط واگذاری طرح خصوصی سازی از طریق واگذاری سهام عدالت، برخی پیشنهادها و اظهارنظرها نیز مورد توجه قرار گرفته است، سپس به تبیین اهداف این طرح در کشورمان پرداخته شده که به نظر می رسد در راستای اثربخشی هر چه بیشتر طرح یادشده می بایست مواردی مدنظر باشد و با تحقیق و دقت نظر بیشتری به این طرح نگریسته شود.

واژه های کلیدی: سهام، کوبین، عدالت، خصوصی سازی.

۱. مقدمه

رشد اقتصادی در کشورها فقط معطوف به افزایش درآمد ملی یا درآمد سرانه است اما توسعه اقتصادی علاوه بر افزایش درآمد، شاخصهای متعدد دیگری را در برمی گیرد که تمام آنها به نوعی به بهبود کیفیت زندگی اجتماعی انسانها توجه دارند. یکی از مهم ترین شاخصهای توسعه، توزیع عادلانه درآمد بین افراد جامعه است. به عبارت دیگر کاهش فقر و نابرابری اقتصادی همواره یکی از اهداف برنامه های توسعه ای بوده است. این دو لازم و ملزوم یکدیگر هستند زیرا توجه به توسعه اقتصادی بدون در نظر گرفتن توزیع عادلانه درآمد، فقط به عمیق تر شدن شکاف طبقاتی و گسترش فقر و در نهایت به چالش کشیدن فرآیند رشد اقتصادی در بلندمدت منتهی می شود. طی دهه های گذشته دولتها برای دستیابی به اهداف توسعه و حداکثر کردن رفاه اجتماعی، شرکتهای دولتی متعددی را ایجاد کرده اند ولی بروز مشکلاتی در این زمینه نظیر عملکرد نامطلوب اقتصادی- مالی این شرکتهای، نبود توجیه فنی، اقتصادی و مالی برای دخالت دولت در برخی از

* کارشناس مطالعات اقتصادی، سازمان امور اقتصادی و دارایی استان اصفهان

** کارشناس مطالعات اقتصادی، سازمان امور اقتصادی و دارایی استان اصفهان

فرآیندهای تولید و محدودیت مالی- اقتصادی دولت برای اداره و تصدی فعالیتها، اجرای سیاست خصوصی سازی در بخش شرکتهای دولتی را اجتناب ناپذیر کرده است.

اصلی ترین هدف خصوصی سازی، افزایش کارایی در اقتصاد به دست نیروهای بازار (عرضه و تقاضا) است. افزایش کارایی معمولاً (افزایش کارایی داخلی بنگاه) از طریق تغییر ساختار انگیزشی و ایجاد مالکیت فردی ابزار تولید و به حداقل رساندن هزینه تولید دنبال می شود بنابراین لازم است که برای افزایش کارایی اقتصاد، عنصر رقابت در کنار انتقال مالکیت وجود داشته باشد. در کشورهای مختلف برای دستیابی به این اهداف، روشهای متفاوتی دنبال شده مانند عرضه عمومی سهام، فروش خصوصی سهام، سرمایه گذاری جدید بخش خصوصی در واحدهای دولتی، فروش داراییهای شرکتهای یا مؤسسه‌های دولتی، تجزیه واحدهای بزرگ دولتی به واحدهای کوچکتر و واگذاری آنها، فروش شرکتهای به کارکنان و مدیران آنها، عقد قرارداد واگذاری مدیریت شرکتهای و اجاره واحدها برای مدتی مشخص به بخش خصوصی و نظایر آنها که هر کدام آثار و پیامدهای اقتصادی، اجتماعی و سیاسی متفاوتی دارند.

در کشور ما نیز دولت موظف شده تمامی سهام خود در شرکتهای دولتی و شرکتهای زیرمجموعه غیردولتی را به تمام اتباع ایرانی مقیم داخل کشور واگذار کند که قرار شده این طرح را با انتشار سهامی به نام سهام عدالت اجرا کند. هدف از اجرای این طرح علاوه بر خصوصی سازی مردمی، جلوگیری از ایجاد شکافهای درآمدی میان اقشار مختلف جامعه و کمک به توزیع عادلانه تر مالکیت و در پی آن درآمد در کشور است. بنابراین این طرح زمینه‌ای برای دستیابی به عدالت اجتماعی همراه با توسعه اقتصادی و بهینه کردن اندازه دولت است.

۲. دلایل خصوصی سازی^۱

برای خصوصی سازی، دلایل متفاوتی ذکر شده است. شاخص ترین آنها عملکرد ضعیف شرکتهای دولتی در مقایسه با بخش خصوصی است. معمولاً مشاهده شده که شرکتهای دولتی به سبب پایین بودن بهره‌وری، هزینه‌های سنگین را بر بودجه دولت تحمیل می کنند و بار مالی دولت را افزایش می دهند. بنابراین یکی از راههای مؤثر کاهش کسری بودجه دولت، کاهش هزینه‌های یادشده از طریق خصوصی سازی شرکتهای دولتی است. با خصوصی سازی می توان کارایی آن دسته از داراییها را که در بخش دولتی به طور بهینه مورد استفاده قرار نمی گیرند یا از بین رفته و هدر می روند، افزایش داد و از اتلاف منابع مالی دولت جلوگیری کرد و در نتیجه این امر، کیفیت مدیریت منابع دولتی را افزایش داد.

۱. ابراهیم الوان، خصوصی سازی، مقررات‌زدایی و سیاستهای اقتصاد کلان در پاکستان، ۱۳۷۰.

سهم عدالت در بطن خصوصی سازی ۴۳

عملکرد حیرت‌انگیز اقتصادی کشورهای شرق آسیا بر پایه بخش خصوصی، ایجاد رقابت شدید میان بنگاههای اقتصادی، تکیه بر صادرات و تشویق سرمایه‌گذارهای خارجی، نشان می‌دهد که از طریق خصوصی سازی می‌توان به بازارهای خارجی، فن‌آوری مطلوب با سرمایه و منابع مورد نیاز دست پیدا کرد، علاوه بر اینکه می‌توان بازارهای سرمایه را نیز گسترش داد. شکست اقتصاد برنامه‌ریزی شده و مالکیت دولتی در شوروی سابق، اروپای شرقی و مواردی مانند آنها ضرورت خصوصی سازی را خاطر نشان می‌کند و اطمینان می‌دهد که از این طریق می‌توان پایه مالکیت را گسترش داد.

باید یادآوری کرد که خصوصی سازی، به تنهایی یک هدف نیست بلکه وسیله‌ای است برای رسیدن به اهدافی نظیر افزایش کارایی و رشد سریع‌تر اقتصادی، بنابراین افزایش کارایی تولید و کاهش دخالت‌های دولت در تصمیم‌گیریهای اجرایی و در عوض تمرکز بر روی مسائل و سیاست‌هایی که برای حیات ملی کشور ضروری هستند، از منافع بسیار مهم خصوصی سازی به شمار می‌رود.

دولت می‌تواند از طریق خصوصی سازی شرکت‌های دولتی، درآمدهای نقدی خود را افزایش داده، ضمن آنکه به درآمدهای جدید مالیاتی که پیش از این ایجاد و جمع‌آوری آنها میسر نبود دسترسی یابد و با کاهش هزینه‌هایی که پیش از خصوصی سازی برای شرکت‌های دولتی متحمل می‌شده، کسری بودجه را کاهش دهد. بخش دولتی پیش از خصوصی سازی، به دلیل فشارهای سیاسی و اجتماعی، مجبور به افزایش اشتغال از طریق استخدام بی‌رویه و بدون ضابطه نیروی کار بود که در بسیاری از مواقع مشاهده شده بهره‌وری نهایی نیروی کار در این شرایط منفی بوده است.

خصوصی سازی می‌تواند منابع انسانی و مالی را تخصیص بهینه کرده و نیروی کار مازاد را به سمت دیگر فعالیتهای مولد اقتصادی سوق داده و فرصتهای به‌وجود آمده برای فعالیتهای فاسد را کاهش دهد. بنابراین ایجاد شغل‌های مبتنی بر رشد، به جای خلق اشتغال کاذب، می‌تواند از نتایج خصوصی سازی محسوب شود. بنگاههای تولیدی خصوصی برای افزایش سوددهی و رقابت با دیگران، تلاش فراوان به عمل می‌آورند تا به فنون مدیریت علمی، فن‌آوری پیشرفته و منابع مالی جدید برای سرمایه‌گذارهای آتی دسترسی پیدا کنند. ضمن آنکه درصدد افزایش کیفیت محصولات، افزایش صادرات و بهبود ارائه خدمات و جلب رضایت مشتریان هستند. در چنین شرایطی است که تولید و تجارت از فضای اطمینان‌بخشی برخوردار خواهد شد و سرمایه‌هایی که پیش از این از کشور خارج شده بود، دوباره به کشور بازمی‌گردد و می‌توان از این طریق اقتصاد کشور را از منابع و پس‌اندازهای خارجی بهره‌مند کرد.

۳. روند شکل‌گیری خصوصی سازی

دهه ۱۹۹۰ را دهه خصوصی سازی نام‌گذاری کرده‌اند زیرا در این دهه بسیاری از کشورهای درحال توسعه آن زمان بر حسب ضرورت و برای نیل به رشد و توسعه اقتصادی مطلوب سعی نمودند که

بدنه دولت را کوچک کرده و بیشتر به اقتصاد بازار روی بیاورند، بنابراین به فکر واگذاری مؤسسه‌های تولیدی و تجاری دولت به بخش خصوصی افتادند.

واگذاری شرکتهای دولتی به بخش خصوصی، اولین بار در سال ۱۹۷۶ از سوی پروفیسور میلتون فریدمن اقتصاددان مشهور آمریکایی و بنیانگذار مکتب شیکاگو عنوان شده است. وی در یکی از سخنرانی‌های خود در لندن، خصوصی‌سازی بلاعوض را برای رهاشدن یکباره دولت از شر واحدهای دولتی پیشنهاد کرد. او خصوصی کردن تدریجی صنعت فولاد یا واگذاری سالیانه یک درصد از این صنعت را به بخش خصوصی معنی‌دار نمی‌دانست. او معتقد بود که تمام سهام شرکتهای دولتی به صندوقی به نام صندوق تعاون واگذار شود و هر شهروند مالک یک سهم با ارزش صندوق تعاون شود که این فرد مالک قسمتی از سهام واگذاری شده دولتی است. اعتقاد وی اگر قرار باشد که شرکتهای دولتی را تک تک به مزایده بگذارند در آمد حاصل از آنها از سوی دولت حیف و میل می‌شود اما اگر سهام بلاعوض به عموم مردم واگذار شود و بازاری برای سهام آن ایجاد شود مشکل تا حدود زیادی حل خواهد شد. این واگذاریها نخست، کسری بودجه دولت را کاهش می‌دهد و سپس اقتصاد خصوصی هم به سبب افزایش بهره‌وری کارا تر می‌شود.^۱

اولین شرکت دولتی در ایران در سال ۱۳۰۶ با عنوان بانک ملی ایران تأسیس شد و پس از آن شرکتهای دولتی با تنوع فعالیت در عرصه‌های گوناگون تأسیس شدند. پس از پیروزی انقلاب اسلامی بسیاری از شرکتهای فعال در بخش خصوصی نیز از طریق مصادره و ملی‌سازی به بخش دولتی منتقل شدند. این موضوع باعث افزایش چشم‌گیر حجم این بخش از دولت شد، به طوری که در حال حاضر ترکیب ناهمگونی از انواع شرکتهای دولتی با اهداف و موضوع فعالیت بسیار متنوع در بخش دولتی گرد آمده‌اند و با سرمایه‌گذاری کلانی که از سوی این شرکتهای صورت می‌گیرد، مدام بر حجم و تعداد آنها افزوده می‌شود. با توجه به این مسئله پیشنهاد شد که آن شرکتهای قابل واگذاری دولت آمارگیری شده و سپس به اندازه ارزش آن شرکتهای نوعی سهام مخصوص، تهیه و به طور رایگان میان همه ایرانی‌ها توزیع شود. به این ترتیب همه ایرانی‌ها دارای سهام شرکت دولتی قابل عرضه خواهند شد. بنابراین طرح یادشده به عنوان روشی برای تحقق یکی از راههای خصوصی‌سازی در عین رعایت عدالت اجتماعی می‌باشد. اجرای واگذاری سهام شرکتهای دولتی به عنوان خصوصی‌سازی مردمی از طریق طرحی به نام سهام عدالت انجام می‌شود که از آن طریق، سهام شرکتهای سودده دولتی به یک شرکت غیردولتی (واسط) به صورت اعتباری فروخته شده و سهم این شرکت نیز به شرکتهای تعاونی استانی (در ۳۰ استان کشور) به صورت اعتباری فروخته می‌شود.

۱. احمد کابلی‌زاده، خصوصی‌سازی مردمی، کارآیی همراه با عدالت، ۱۳۸۴.

سهام عدالت در بطن خصوصی سازی ۴۵

یکی از آثار منفی واگذاری شرکتهای دولتی به بخش خصوصی از طریق روشهای معمول و متداول آن، ناعادلانه تر شدن توزیع ثروت و در نتیجه آن توزیع درآمد در جامعه است. در روشهای متداول خصوصی سازی، معمولاً سهام، سرمایه یا دارایی شرکتهای دولتی فقط به بخشی از مردم منتقل می شود. این گروه به طور عمده از اقشار توانمند جامعه هستند که توانایی خرید سهام و مشارکت در طرحهای سرمایه ای دولت را دارند. تجربه نشان می دهد در اغلب جوامع، معمولاً با اجرای سیاست خصوصی سازی، توزیع ثروت و درآمد به دلیل انباشت درآمد حاصل از نگهداری سهام در دست عده ای خاص، ناعادلانه تر شده است. امروزه در بسیاری از کشورهای جهان حدود ۱۰ درصد از مردم بیش از ۷۰ درصد مالکیت ثروت جامعه را در اختیار دارند. به همین دلیل در بعضی از کشورهای در حال توسعه برای حل این معضل سعی شده از روشهای دیگری غیر از روشهای متداول خصوصی سازی استفاده شود.^۱

یکی از راه‌حلهایی که استفاده شد اجرای روشهای خصوصی سازی انبوه بود. برای جلوگیری از ایجاد شکاف درآمدی میان اقشار مختلف جامعه و کمک به توزیع عادلانه تر مالکیت و در پی آن درآمد در کشور، می توان با اجرای برنامه توزیع سهام (که یکی از روشهای مهم خصوصی سازی انبوه است) ضمن افزایش برابری فرصتها از طریق برابری در مالکیت، زمینه دستیابی به عدالت اجتماعی همراه با توسعه اقتصادی و بهینه کردن اندازه دولت را فراهم کرد.

برنامه توزیع سهام، در کشورهایی نظیر جمهوری چک، مغولستان، لهستان و روسیه اجرا شده که برای سیاستگذاران سایر کشورها نیز بسیار جذاب بوده زیرا در این روش می توان به سرعت و با سهولت بیشتری نسبت به سایر روشهای خصوصی سازی، تعداد زیادی از بنگاههای دولتی را که برای بیشتر سرمایه گذاران جاذبه ای ندارد، واگذار کرد. این روش اغلب در شرایطی که سرعت اجرای برنامه خصوصی سازی مورد توجه بوده و همچنین سیاستگذاران به دلایل اجتماعی و سیاسی تمایل داشته اند مالکیت به صورت گسترده تری، توزیع و منافع خصوصی سازی براساس سهام به وسیله توزیع گواهی ها یا برگه هایی بین مشارکت کنندگان اجرا شود، انجام شده است. این گواهی ها یا برگه ها قابل مبادله با سهام بنگاههای دولتی یا سهام واسطه های مالی هستند. واسطه های مالی این امکان را برای مشارکت کنندگان ریسک گریز ایجاد می کنند که بتوانند در سبد متنوعی از سهام سرمایه گذاری کنند و برای دارندگان سهام به منزله مؤسسه تهاتری عمل می کنند. از سوی دیگر این مؤسسه ها نقش مهمی در بازسازی و نظارت بر بنگاههای دولتی خصوصی شده ایفا می کنند.^۲

برخلاف روشهای سنتی خصوصی سازی، برنامه توزیع سهام به دولتها برای عادلانه تر کردن توزیع ثروت جامعه کمک می کند. دولتها می توانند از طریق انتشار سهام و با اعمال تخفیف روی

۱. همان

۲. ژوزف پرکوبنکو، مدیریت خصوصی سازی، ۱۳۸۰.

برگه‌های یادشده، موجب افزایش ثروت طبقات محروم جامعه شوند. تأثیر توزیع سهام روی درآمد افراد جامعه در بیشتر کشورها قابل توجه بوده است. برای مثال در جمهوری چک و مغولستان ارزش بازاری سهام توزیع شده میان افراد جامعه معادل نیمی از درآمد سرانه آن کشورها بوده است. در جمهوری کره نیز در پی برنامه عرضه عمومی، تخفیفهای بسیاری در خرید سهام به گروههای کم‌درآمد اعطا شد.

در کشور ما نیز با این هدف، سهام عدالت شامل ۴۹ درصد سهام تمام شرکتهای مادر تخصصی و شرکتهای بیمه دولتی می‌شود. پس می‌بایست دولت شرکتهای دولتی زیرمجموعه شرکتهای مادر را از نظر ماهیت فعالیتشان و وضع سود و زیان کاملاً شناسایی کند. طبیعی است که شرکتهای زیان‌ده نمی‌توانند شرکتهای هدف باشند.

۴. گروه هدف سهام

تعیین گروههای واجد شرایط برای دریافت کوپن سهام و ایجاد ساز و کاری برای ثبت نام دریافت کنندگان سهام، یکی از مشکلات اصلی دولتها در اجرای این برنامه است. برگ سهام می‌تواند بین تمام شهروندان بالغ یا گروههای مشخصی مانند شهروندان متولد شده پیش از یک تاریخ معین توزیع شود. به عنوان مثال در روسیه و مولداوی تمامی شهروندان، حتی کودکان نیز برگ سهام دریافت کردند و سابقه سکونت و گذرنامه داخلی برای تأیید هویت دریافت کنندگان سهام مورد استفاده قرار گرفت. اما در ایران و در جامعه کنونی ما که فقر و نابرابری توزیع درآمد به یک معضل اقتصادی تبدیل شده و بالابودن مستمر نرخ بیکاری و تورم و ناهنجاریهای ساختاری اقتصاد از عوامل پایه‌ای این شرایط است و با در نظر گرفتن اینکه هدف جامعه، حرکت به سوی توسعه همه جانبه می‌باشد، برقراری عدالت اجتماعی باید در سرلوحه این هدف قرار گیرد. بر همین اساس دولت آقای احمدی‌نژاد طرحهای مشخصی برای حل این معضل و بسط عدالت اقتصادی ارائه کرده است که یکی از آنها توزیع سهام عدالت بین اقشار مختلف جامعه است. بر اساس این طرح، مقرر شده است افرادی که در سه دهک پایین درآمدی هستند در اولویت اول واگذاری سهام عدالت قرار گیرند چون این افراد به حق در پایین‌ترین سطح درآمدی و رفاه قرار دارند. از آنجا که هدف این طرح خصوصی‌سازی مردمی همراه با عدالت اجتماعی و توزیع متعادل ثروت و درآمد در جامعه است بنابراین این گروه بهترین گزینه برای رسیدن به هدف می‌باشد و چون واگذاری این سهام بدون هیچ‌گونه وجه و پیش‌قسطی صورت می‌گیرد و پرداخت اقساط آن از محل سود سهام است، همچنین یک درآمد دائمی برای این خانوارها ایجاد می‌کند، موجب تقویت ساختار مالی خانوارها و بازار سرمایه و گسترش طبقه متوسط جامعه می‌شود.

سهم عدالت در بطن خصوصی سازی ۴۷

مشمولان این طرح، افراد تحت شناسایی طرح شهید رجایی، مشمولان کمیته امداد که قادر به اداره زندگی خود نیستند، زنان و کودکان بی سرپرست موضوع قانون زنان و کودکان بی سرپرست که تحت نظارت و پوشش بهزیستی قرار دارند، کودکان بی سرپرست با نظارت مستقیم سازمان بهزیستی، معلولان تحت نظارت سازمان بهزیستی، اعضای معلول تحت نظر بهزیستی در خانواده‌ها، آسیب دیدگان اجتماعی، رزمندگان داوطلب که شش ماه در صحنه‌های دفاع مقدس حضور داشته‌اند و شغلی ندارند و افرادی تحت تکفل آنها هستند، می‌باشد. به همین منظور سه ارگان بهزیستی، کمیته امداد و بنیاد شهید برای شناسایی و معرفی این افراد در نظر گرفته شده است.

مقدار سهم در نظر گرفته شده برای هر خانوار ۱۰ میلیون تومان است با توجه به اینکه خانوارها پنج نفره در نظر گرفته شده‌اند به هر نفر ۲۰ میلیون تومان سهم واگذار می‌شود و برای خانوارهایی که تعداد آنها بیش از پنج نفر است از همان سقف در نظر گرفته شده برای هر خانوار بین همه افراد خانوار سرشکن می‌شود.

خصوصی سازی به شکل توزیع سهام، یک تفکر مثبت برای برقراری عدالت اجتماعی است ولی نکته مهمی که باید در اجرای این طرح مدنظر قرار گیرد این است که ابتدا باید راهکارهای اجرایی طرح شناسایی شود که این سهام به دست افراد مستحق آن برسد و زمینه‌های درآوردن سهام از دست این قشر از بین برود. چون جمعیت این افراد بیش از تعداد سهامی است که قرار است واگذار شود پس باید به گونه‌ای صحیح برنامه‌ریزی شود که این سهام به دست نیازمندترین افراد برسد و به گونه‌ای نشود که باعث نابرابری و بی‌عدالتی گسترده‌تر شود.

۵. دریافت بخشی از هزینه‌های اجرای طرح

در مورد دریافت مبلغ ناچیز بابت توزیع سهام نیز می‌توان گفت که این مبلغ کم و جزئی، دولت را قادر می‌کند تا مقداری (یا تمام) از هزینه‌های اجرایی طرح را از دریافت کنندگان سهام دریافت کند و اثر روانی آن نیز باعث خواهد شد که سهام توزیع شده در نظر مشارکت کنندگان ارزشمندتر جلوه نماید. به عنوان مثال در روسیه مشارکت کنندگان برای دریافت سهام مبلغی معادل یک دلار آمریکا پرداخت کردند و ۹۵ درصد واجدین شرایط نیز در برنامه مشارکت کردند.

در کشور ما چنانچه درصد کمی از ارزش سهام از سهامداران گرفته شود باعث می‌شود که سهام برای آنها ارزشمندتر باشد. البته واگذاری مجانی سهام باعث جلب حمایت عموم مردم از برنامه‌های خصوصی سازی و کمک به بهبود توزیع ثروت و درآمد در جامعه، گسترش فرهنگ سهامداری در میان اقشار مختلف جامعه و عرضه سریع بخش بزرگی از سهام شرکتهای دولتی خواهد شد. به دلیل ناتوانی قشر در نظر گرفته شده برای پرداخت همان مبلغ ناچیز، همچنین نبود فرهنگ سهامداری در این قشر، گرفتن مبلغی از آنها برای واگذاری سهام ممکن است با شکست

این طرح مواجهه شود ولی به جاست در واگذاری سهام به دهکهای بالاتر در آمدی قسمتی یا درصدی از ارزش سهام را متناسب با سطح در آمدی آنان مانند کشور چک که دفترچه‌های سهام را به قیمت ۳۵۳۰۰ KCS (معادل میانگین دستمزد هفتگی یک کارگر ساده و همچنین معادل ۳۵ دلار آمریکا) در اختیار مردم قرار داده بود^۱، از افراد اخذ کند و برای هزینه‌های اجرایی و توزیع سهام هزینه شود تا به این ترتیب دولت هم مجبور نشود برای انجام این هزینه‌ها متوسل به بودجه یا دیگر منابع دولتی شود. به این ترتیب سهام به صورت کالایی باارزش برای اقشار جامعه محسوب خواهد شد.

۶. خرید و فروش سهام

پذیرفتن قابلیت مبادله سهام دو مزیت دارد:

الف- امکان معامله سهام، آنها را برای عموم مردم جذاب تر کرده و درصد مشارکت واجدین شرایط را افزایش می‌دهد.

ب- این امر باعث می‌شود که یک بازار ثانویه قانونی برای خرید و فروش سهام ایجاد شود. به عنوان مثال در روسیه که برگه‌های سهام به طریق قانونی قابل معامله هستند، کوپنها تبدیل به یک ابزار مالی قدرتمند برای شرکت سرمایه‌گذاران در مزایده‌های بزرگ سهام شده‌اند. این موضوع باعث شد که سرمایه‌گذاران بتوانند در شرکت‌های خصوصی شده اکثریت لازم برای بازسازی و مدیریت مؤثر شرکتها را به دست آورند^۲.

در برخی از کشورها برای جلوگیری از فروش سهام توسط افراد عادی، پس از گذشت دوره مشخصی افراد مجاز به معامله سهام خود هستند یا مانند کشور مغولستان معامله درصدی از برگه‌های سهام مجاز است. تجربه نشان داده است که حتی اگر خرید و فروش سهام ممنوع شود، باز هم در بازارهای غیررسمی این معاملات انجام خواهد شد (همان گونه که در کشور مغولستان این گونه شد). یکی از پیامدهای منفی ممنوع کردن معامله برگه‌های سهام این خواهد بود که افراد عادی در بازارهای غیررسمی مجبور می‌شوند برگه‌های خود را به قیمت بسیار پایینی به فروش برسانند^۳. بنابراین بهترین راه برای حمایت از افراد دریافت کننده سهام، ایجاد بازارهای باز و رقابتی برای خرید و فروش برگه‌های یادشده است.

در ایران این سهام قابلیت خرید و فروش در بازار بورس را ندارند اما دریافت کنندگان مالک سهام هستند و از آنجا که سهام تا پایان بازپرداخت اصل اوراق بهادار در وثیقه دولت است، حق خرید و فروش فقط در محدوده تعاونی و بین اعضای تعاونی امکان‌پذیر است. بنابراین افراد

۱. سازمان برنامه و بودجه، «خصوصی‌سازی: در سهایی از تجربیات»، گزارش بانک جهانی، ۱۳۷۲.

۲. ژرف پرکوبنکو، مدیریت خصوصی‌سازی، ۱۳۸۰.

۳. همان

سهام عدالت در بطن خصوصی سازی ۴۹

می توانند بخشی از سهام که ارزش آن از محل سود پرداخت شده، در قالب تعاونیها و بین اعضای تعاونی به فروش برسانند. این سهامداران می توانند به صورت وکالتی تا هزار نفر، سهام خود را در این شرکتهای تعاونی به دیگران واگذار کنند. نبود قابلیت خرید و فروش در بازار بورس بدان علت است که این افراد به علت شرایط بد اقتصادی که دارند ممکن است سهام را بفروشند و برای رفع نیازهای جاری خود هزینه کنند. این امر ممکن است در کوتاه مدت گشایش اندکی در وضع اقتصادی آنها به وجود آورد اما نقدینگی قابل توجهی که به این ترتیب به اقتصاد کشور تزریق می شود موجب افزایش شدید نرخ تورم می شود و آزادسازی خرید و فروش سهام باعث می شود که دوباره ثروت به دست یک اقلیت خاص بیفتد و به این ترتیب فقر و بی عدالتی در جامعه دامن زده شود. همان گونه که اشاره شد با ممنوع شدن خرید و فروش آن ممکن است افراد در بازارهای غیررسمی به خرید و فروش این سهام اقدام کنند و همان مشکلاتی را که با ممنوع کردن می خواستیم جلوی آن را بگیریم اتفاق بیفتد.

۷. بررسی اهداف واگذاری سهام عدالت

یکی از برنامه های اقتصادی دولت نهم گسترش عدالت، توزیع عادلانه ثروت و درآمد و کاهش فاصله طبقاتی بین اقشار کم درآمد و مرفه جامعه است که در این راستا طرح واگذاری سهام عدالت یکی از راهکارهای حل این معضل عنوان شده است.

واگذاری این سهام نیز خود اهداف دیگری را دنبال می کند نظیر:

- افزایش ثروت و ایجاد درآمد دائمی و تقویت بنیه اقتصادی و رشد پس انداز عمومی،
- تسریع در روند خصوصی سازی از طریق خصوصی سازی سهام شرکتهای دولتی،
- اصلاح ساختار مدیریت شرکتهای و افزایش کارایی بنگاههای دولتی واگذار شده،
- ترویج فرهنگ سهامداری و اتکاء بیشتر مردم به داراییهای مالی.

حال پس از معرفی طرح واگذاری سهام عدالت و سابقه اجرایی آن در کشورهای دیگر و نیز چگونگی واگذاری سهام به مردم، به نظر می رسد در راستای اثربخشی هرچه بیشتر طرح یادشده می بایست مواردی را در نظر گرفته و تعمق بیشتری صورت گیرد. در ادامه به هر یک از موارد و اهداف گنجانده شده در اجرای این طرح، اشاره و موارد مورد نظر بیان می شود.

۷-۱. افزایش ثروت و ایجاد درآمد دائمی و تقویت بنیه اقتصادی و رشد پس انداز عمومی

افراد مشمول این طرح تمام مردم کشور را در بر می گیرد اما در اولویت واگذاری سهام، افراد تحت پوشش کمیته امداد امام خمینی (ره)، بهزیستی و جامعه ایثارگران هستند که جزء کم درآمدترین اقشار جامعه و پایین ترین دهکهای درآمدی می باشند و با مشکلات اقتصادی فراوانی روبرو هستند.

از آنجا که این سهام به صورت قسطی و قرض الحسنه (اقساط بدون سود) به این افراد واگذار می‌شود و اقساط از سود سالیانه کسر می‌شود در صورتی به هدف نزدیک می‌شویم که شرکتهایی که سهام آنها در این مسیر قرار می‌گیرد دارای سوددهی بالا و مداوم باشند. اگر این شرکتها جزء شرکتهای زیان‌ده یا دارای سوددهی پایین باشند، مسلماً درآمدی برای این اقشار ایجاد نمی‌شود. در حال حاضر نزدیک به ۲۰ درصد شرکتهای دولتی کاملاً زیان‌ده هستند. روشن است که این تعداد از شرکتها نمی‌توانند با توجه به اهدافی که دولت مدنظر دارد در سبد سهام عدالت قرار گیرند زیرا نه تنها درآمدی را عاید سهامداران نمی‌کنند بلکه زیان‌ده هم هستند.

بنابراین به نظر می‌رسد با گزینش و جداسازی شرکتهای زیان‌ده از شرکتهای سودده و توزیع سهام شرکتهایی با سوددهی بالا و پایین در سبد سهام هر فرد می‌توان به اهداف متعالی طرح و تثبیت وضع اقتصادی اقشار کم‌درآمد جامعه دست یافت زیرا توزیع کوپن سهام باعث افزایش ثروت خانوارها در کشورهای دیگری شد که پیش از ما اقدام به این عمل کردند. به عنوان مثال در کشور چک مردم با دریافت سهامهای یادشده سطح ثروتشان افزایش یافت و به دنبال آن نقدینگی آنان با تبدیل بخشی از سهام به پول نقد، از یکسو و دریافت سود سهام باقیمانده از سوی دیگر، افزایش قابل توجهی یافت. این نقدینگی مازاد ضرورتاً یا به مصرف کالاها و خدمات اختصاص یافت و یا تبدیل به سپرده‌های بانکی شد.^۱

بررسیهای انجام شده در کشور چک نشان داد که پس از اجرای برنامه توزیع سهام و در نتیجه افزایش ثروت واقعی خانوارها، مصرف آنها از کالاها و خدمات افزایش یافته است. همزمان میزان پس‌انداز و سرمایه‌گذاری آنها نیز رشد یافت که این امر با توجه به موفقیت‌آمیز بودن و سودده بودن سهام خریداری شده توسط آنها، باعث رویکرد مثبت مردم به سمت پس‌انداز و سرمایه‌گذاری در بازار بورس اوراق بهادار و انواع شرکتهای موجود شده است. بنابراین می‌توان انتظار داشت با اجرایی شدن این طرح در کشورمان شاهد ایجاد چنین روندهایی نیز باشیم. البته یادآوری این نکته ضروری است که به دلیل شرایط بد اقتصادی افراد، خانوارهایی که موفق به دریافت سهام عدالت می‌شوند، در اسرع وقت این سهام را به پول تبدیل می‌کنند و برای تحصیل، مسکن، ازدواج و اشتغال فرزندان و هزینه‌های جاری خود به کار می‌برند، بنابراین با وجودی که ممکن است این امر در کوتاه‌مدت گشایش اندکی در شرایط اقتصادی آنها به وجود آورد اما نقدینگی قابل توجهی که به این ترتیب به اقتصاد کشور تزریق می‌شود موجب افزایش شدید نرخ تورم می‌شود و این تورم نه تنها افزایش اولیه درآمد خانواده‌های فقیر را خنثی می‌کند بلکه طی چند سال می‌تواند موجب افت قدرت خرید و فقر بیشتر شود. ممنوع کردن فروش سهام برای دو یا سه سال می‌تواند تأثیر تورمی

۱. سازمان برنامه و بودجه، «خصوصی‌سازی: درسهایی از تجربیات»، ۱۳۷۲.

سهم عدالت در بطن خصوصی سازی ۵۱

طرح را برای چند سال به تأخیر بیندازد و از شدت آن بکاهد اما همزمان تأثیر درآمدی آنرا نیز کاهش خواهد داد.

به نظر می‌رسد زمانی به اهداف موجود در طرح بیشتر نزدیک می‌شویم که همه افراد کشور در طیف گسترده دهکهای درآمدی مشخص شده مجاز به دریافت سهام باشند تا اگر فقر عده‌ای از دریافت کنندگان تا حدی آثار مثبت موردنظر در طرح را محقق کرد، این اهداف در طیف رفتاری دیگر دریافت کنندگان نیز نمودار شود.

۲-۷. تسریع در روند خصوصی سازی

شرکتهای دولتی به سبب پایین بودن بهره‌وری، هزینه‌های سنگینی را بر بودجه دولت تحمیل می‌کنند و بار مالی دولت را افزایش می‌دهند، بنابراین یکی از راههای کاهش کسری بودجه دولت کاهش هزینه‌های یادشده از طریق خصوصی سازی این شرکتهاست. اصولاً نحوه کار شرکتهای دولتی، با توجه به میزان سرمایه‌ای که در اختیار دارند بیشتر زیان ده هستند و گاه سود پایینی به دست می‌آورند، سؤال برانگیز است. به نظر می‌رسد با خصوصی سازی می‌توان کارایی آن دسته از داراییهایی که در بخش دولتی به طور بهینه مورد استفاده قرار نمی‌گیرد، افزایش داد و از اتلاف منابع مالی دولت جلوگیری کرد^۱.

واگذاری سهام این شرکتهای در قالب سهام عدالت به مردم می‌تواند گامی به سمت خصوصی سازی باشد زیرا به صورت گسترده سهام شرکتهای مربوط دسته‌بندی شده و به سرعت در اختیار اقبال مورد نظر قرار می‌گیرد. البته این افراد تا تأدیه کامل مبلغ این سهام، مالک آن محسوب نمی‌شوند و نمی‌توانند در بازار بورس اوراق بهادار برای خرید و فروش آن اقدام کنند. در واقع این سهام همچنان به نحوی در مالکیت دولت بوده و در صورت موفق بودن این طرح، در بلندمدت می‌توان امیدوار بود که پس از تسویه شدن اقساط سهام، مالکیت آنها به مردم منتقل شده و قابلیت داد و ستد در بازار بورس را پیدا کند.

۳-۷. اصلاح ساختار مدیریت شرکتهای و افزایش کارایی بنگاههای دولتی واگذار شده

یکی از مهم‌ترین اهداف خصوصی سازی شرکتهای دولتی، افزایش بازدهی و کارایی شرکتهای یادشده است که معمولاً با حجم سرمایه بالا و کارایی پایین فعالیت می‌کنند. پیش از این تصور می‌شد که خصوصی کردن شرکتهای دولتی از طریق توزیع سهام به دلیل نداشتن تمرکز مالکیت و در نتیجه نبود نظارت مؤثر بر مدیریت بنگاههای واگذار شده، کارایی و بازدهی بنگاههای خصوصی شده را افزایش نخواهد داد، بلکه با کاهش نظارت دولتی بر این بنگاهها عملکرد آنها کاهش نیز

۱. علیرضا رحیمی بروجردی، سیاستهای اقتصاد کلان و اصلاحات ساختاری، ۱۳۶۹.

می‌یابد. تاکنون بررسیهای گوناگونی در مورد تغییر عملکرد و بازدهی بنگاههای خصوصی شده با روش توزیع سهام انجام شده است، به عنوان مثال در کشور چک در تحقیقی که توسط کلانسنس^۱ و ژانکوف^۲ در سال ۱۹۹۹ بر روی شرکتهای خصوصی شده کشور چک انجام شد از دو شاخص سودآوری و بهره‌وری نیروی کار برای دوره زمانی ۱۹۹۶-۱۹۹۳ استفاده گردید. براساس برآورد مدل‌های طراحی شده در این تحقیق، مشخص شده که تغییر در مالکیت بنگاهها طی دوره یادشده تأثیر قابل توجه و معنی‌داری بر سودآوری و بهره‌وری نیروی کار نداشته است. به عبارت دیگر برخلاف آنچه ادعا می‌شد، خصوصی‌سازی با روش توزیع سهام باعث کاهش کارایی و عملکرد شرکتهای نشده است.^۳

مشابه این پژوهش بار دیگر توسط ایوان کوکندا^۴ برای سالهای ۱۹۹۶-۱۹۹۹ انجام شد. در این تحقیق سعی شده از متغیرهای بیشتری به عنوان معیار اندازه‌گیری کارایی استفاده شود. همچنین شرکتهای خصوصی شده برحسب نوع فعالیت، گروه‌بندی شده و آزمون آماری برای هر گروه به صورت مجزا به کار گرفته شده است.^۵ متغیرهای مورد استفاده در این تحقیق عبارت‌اند از: رشد سود عملیاتی، نسبت ارزش افزوده به هزینه‌های حقوق و دستمزد، رشد خالص وام‌های بانکی کوتاه‌مدت، رشد فروش و نسبت سرمایه در گردش به کل داراییها. نتایج این تحقیق نیز نشان می‌دهد تغییرات به وجود آمده در نوع مالکیت بنگاههای خصوصی شده تأثیر منفی بر کارایی و بازدهی بنگاههای یادشده نداشته است.

نکته حائز اهمیت آن است که در تمامی تحقیقات انجام شده در مورد برنامه توزیع سهام کشور چک، این انتقاد را که واگذاری شرکتهای دولتی با استفاده از این برنامه ممکن است باعث کاهش و افت عملکرد آنها شود رد شده است. بنابراین پیش‌بینی می‌شود با توجه به روند مثبت فرآیند یادشده در کشورهایی که پیش از ما تجربه چنین کاری را داشته‌اند، در ایران نیز شاهد به بار نشستن این اهداف و بالارفتن بهره‌وری و کارایی شرکتهای ذکر شده باشیم تا جرقه‌ای باشد برای روشن کردن موتور توسعه کشور.

یکی از اهداف طرح واگذاری سهام عدالت، گسترش فرهنگ سهامداری در بین مردم است. به عنوان مثال در کشور چک، وزارت دارایی اقدام به صدور کتابچه‌های کوپن سهام کرد که واجدین شرایط قادر بودند آنها را به قیمت پایینی خریداری کنند. بنابراین هر شهروند که این دفترچه‌ها را دریافت کرده بود می‌توانست با مراجعه به مراکز تعیین شده اقدام به مبادله کوپن خود با

1. Stijn Claessens

2. Even Kocenda

۳. سازمان برنامه و بودجه، «خصوصی‌سازی: درسهایی از تجربیات»، گزارش بانک جهانی، ۱۳۷۲.

4. Simeon Djankov

۵. سازمان برنامه و بودجه، «خصوصی‌سازی: درسهایی از تجربیات»، گزارش بانک جهانی، ۱۳۷۲.

سهام عدالت در بطن خصوصی سازی ۵۳

سهام شرکتها یا سهام صندوقهای سرمایه گذاری کند. کتابچه‌های کوپن سهام متشکل از تعدادی کوپن با قیمت‌های مختلف بود که بر روی هر کدام از آنها امتیاز سرمایه گذاری آن مشخص شده بود. فرآیند اجرایی خرید سهام شرکتها به این صورت بود که پیش از شروع مزایده، اطلاعات مالی اولیه درباره تمامی بنگاهها به اطلاع عموم مردم می‌رسید، اطلاعاتی شامل میزان اشتغال، دستمزدها، فروش، هزینه‌ها، سود و زیان، بدهیها، داراییها و ساختار مالکیت شرکتها. پس از آن مزایده انجام می‌گرفت و شرکت کنندگان در مزایده نیز به این طریق عمل می‌کردند: هر شرکت کننده پیش از تصمیم‌گیری در مورد تعداد سهام یا شرکتی که قصد داشت در آن مشارکت کنند از نرخهای جاری عرضه شده برای فروش یعنی ارزشی که از طرف دولت بابت هر سهم تعیین شده بود مطلع می‌شد. سپس از طریق اداراهای ذی‌ربط سفارش خود را تسلیم و سهام موردنظرش را خریداری می‌کرد.

در کشور ما این گونه نیست که افراد بتوانند شرکتهای موردنظر را با اطلاعاتی که در اختیار دارند انتخاب کنند و در واقع سهامداری را بیاموزند. افرادی که سهام عدالت را دریافت می‌کنند هیچ گونه حق انتخابی ندارند، چون سهام شرکتهای دولتی منتخب به صورت سبدي از سهام، به شرکتهای واسطه واگذار می‌شود و این شرکتهای وظیفه دارند این سبد را به یک سهم واحد تبدیل کنند و به عنوان سهام عدالت به شرکتهای تعاونی استانی واگذار کنند و از طریق این تعاونیها به مشمولان واگذار شود. بنابراین افراد هیچ گونه اطلاعی در مورد سهام واگذاری شده نظیر اینکه این سهام متعلق به کدام شرکت است یا ارزش و قیمت سهم هر شرکت چه میزان است، ندارند. مردم کشور ما بیشتر به دنبال داراییهای واقعی هستند و این نوع داراییها را بر داراییهای مالی ترجیح می‌دهند. داراییهای واقعی به علت مولد نبودن، موجب گسترش فرهنگ دلالی و واسطه‌گری در جامعه می‌شوند. ۵ تا ۱۰ درصد از داراییهای کشور را داراییهای مالی تشکیل می‌دهند که این امر به علت نهادینه نشدن فرهنگ سهامداری است. به عبارت دیگر چنین پیامدهایی حاصل ناآگاهی افراد از بورس سهام و اوراق بهادار، ساختار غلط و مشکلات قانونی بورس، قانون تجارت و شفاف نبودن اطلاع‌رسانی شرکتها از گردش مالی خود است. در نتیجه مشمولان این طرح که از پایین‌ترین دهکهای درآمدی جامعه هستند به علت پایین بودن درآمد، دسترسی نداشتن به تالارهای بازار سرمایه و همچنین جدید بودن بازار بورس کشور و بالا بودن ریسک و نوسان شدید قیمت‌ها تمایل کمتری به پس‌انداز و سرمایه‌گذاری در این بازارها دارند. بنابراین دولت باید با اطلاع‌رسانیهای بیشتر و رفع موانع، انگیزه مردم را به سرمایه‌گذاری در این بازارها بیشتر کند و به این ترتیب فرهنگ سهامداری را در بین مردم نهادینه کند.

۸. جمع بندی و ارائه پیشنهادها

یکی از مهم‌ترین شاخصهای توسعه، توزیع عادلانه درآمد بین افراد جامعه است. به عبارت دیگر کاهش فقر و نابرابری اقتصادی همواره یکی از اهداف برنامه‌های توسعه‌ای بوده است. در کشور ما نیز دولت تصمیم گرفته که سهام خود در شرکتهای دولتی و شرکتهای زیرمجموعه غیردولتی را به تمام ایرانیان مقیم داخل کشور واگذار کند که مقرر شده است این طرح با انتشار برگه‌هایی به نام سهام عدالت اجرا شود. بنابراین طرح یادشده، زمینه‌ای برای دستیابی به عدالت اجتماعی همراه با توسعه اقتصادی و بهینه کردن اندازه دولت است.

یکی از دلایل واگذاری سهام عدالت، خصوصی‌سازی مردمی است زیرا مشاهده شده است که شرکتهای دولتی به سبب پایین بودن بهره‌وری، هزینه‌های سنگین بر بودجه دولت تحمیل می‌کنند و بار مالی دولت را افزایش می‌دهند. از این رو یکی از راههای کاهش کسری بودجه دولت، کاهش هزینه‌های یادشده از طریق خصوصی‌سازی شرکتهای دولتی است. قابل یادآوری است که خصوصی‌سازی، به تنهایی یک هدف نیست بلکه وسیله‌ای است برای رسیدن به اهدافی نظیر افزایش کارایی و رشد سریع‌تر اقتصادی.

اولین شرکت دولتی در ایران در سال ۱۳۰۶ با عنوان بانک ملی ایران تأسیس شد و پس از آن شرکتهای دولتی با تنوع فعالیت در عرصه‌های گوناگون تأسیس شده‌اند. پس از پیروزی انقلاب اسلامی بسیاری از شرکتهای فعال در بخش خصوصی نیز از طریق مصادره و ملی‌سازی به بخش دولتی منتقل شدند، به طوری که در حال حاضر ترکیب ناهمگونی از انواع شرکتهای با اهداف و فعالیت‌های بسیار متنوع در بخش دولتی گرد آمده‌اند و با سرمایه‌گذاری کلانی که از سوی این شرکتهای صورت می‌گیرد، دائماً بر حجم آنها افزوده می‌شود. به همین منظور پیشنهاد شد که شرکتهای قابل واگذاری دولت آمارگیری شده و سپس به اندازه ارزش آن شرکتهای نوعی برگه سهام مخصوص، تهیه و به طور رایگان بین تمام افراد توزیع شود. در این طرح سهام شرکتهای سودده دولتی به یک شرکت غیردولتی (واسط) به صورت اعتباری فروخته می‌شود و سهم این شرکت نیز به شرکتهای تعاونی استانی (در ۳۰ استان کشور) به صورت اعتباری فروخته می‌شود. نکات مهمی که باید در اجرای این طرح مدنظر قرار داد، عبارت است از تعیین گروههای هدف و امکان یا نبود امکان خرید و فروش سهام.

در کشور ما سه دهک پایین درآمدی در اولویت واگذاری سهام قرار دارند چون این افراد در پایین‌ترین سطح درآمدی و رفاه قرار دارند و بهترین گزینه برای رسیدن به هدف عدالت اجتماعی هستند، بنابراین دریافت مبلغ از این گروهها نیز ممکن است باعث شکست طرح شود هرچند با دریافت مبلغی ناچیز دولت می‌تواند مقداری از هزینه‌های اجرایی برنامه را جبران کند و برگه‌های سهام نیز در نظر افراد ارزشمند شود. همچنین امکان معامله برگه‌های سهام نیز آنها را برای عموم

سهام عدالت در بطن خصوصی سازی ۵۵

مردم جذاب تر کرده و درصد مشارکت واجدین شرایط را افزایش می دهد. از آنجایی که این سهام تا پایان بازپرداخت اصل اوراق بهادار، در وثیقه دولت است، حق خرید و فروش فقط در محدوده تعاونی و بین اعضای تعاونی امکان پذیر است.

از اهداف گنجانده شده در این طرح افزایش ثروت و ایجاد درآمد دائمی، تقویت بنیه اقتصادی و رشد پس انداز عمومی است و از آنجا که این سهام به صورت قسطی و قرض الحسنه (اقساط بدون سود) به این افراد واگذار می شود و اقساط از سود سالیانه کسر می شود، در صورتی به این هدف نزدیک می شویم که شرکتهایی که سهام آنها در این مسیر قرار می گیرند دارای سوددهی بالا و مداوم باشند.

اصلاح ساختار مدیریت شرکتهای و افزایش کارایی بنگاههای دولتی واگذار شده از طریق خصوصی سازی نیز از اهداف دیگر این طرح است که چون اغلب این شرکتهای با حجم سرمایه بالا و کارایی پایین فعالیت می کنند با خصوصی کردن این شرکتهای پیش بینی می شود که کارایی آنها افزایش یافته و ساختار مدیریتی شان نیز اصلاح شود. به نظر می رسد در راستای امر واگذاری سهام شرکتهای دولتی و ایجاد عدالت اجتماعی می بایست سهام این شرکتهای تجدید ارزیابی شوند زیرا در صورت تجدید شدن ارزیابی ممکن است سهام شرکتهای بیش از ارزش واقعی آن تضمین زده شود که در آن صورت به ضرر سهامداران آتی خواهد بود و در واقع با عدم سوددهی، معادل آن چیزی که از ارزش سهام درک می شود، مسلماً حقوق دریافت کنندگان سهام تضییع می شود. از سوی دیگر اگر سهام این شرکتهای کمتر از ارزش واقعی آن اعلام شود مسلم است که با توجه به مالکیت دولتی این شرکتهای موجب به هدر رفتن بیت المال شود. به نظر می رسد می بایست به امر تجدید ارزیابی شرکتهای قابل واگذاری با دید وسیع تر و مهم تری بنگریم.

یکی دیگر از اهداف این طرح، ترویج فرهنگ سهامداری در بین مردم است. برای رسیدن به این هدف باید اطلاعات کاملی از سهام واگذاری شده به افراد ارائه کرد نظیر اینکه این سهام متعلق به کدام شرکت است، ارزش واقعی هر سهم چقدر است، شرکت در چه وضعی از نظر سوددهی است و مانند آنها. تا جای ممکن افراد باید حق انتخاب داشته باشند تا بتوانند فرهنگ سهامداری را بیاموزند.

منابع

- الوان، ابراهیم (۱۳۷۰)، *خصوصی‌سازی، مقررات زدایی و سیاستهای اقتصاد کلان در پاکستان*، مترجم: نوروزعلی مهدی پور، سازمان برنامه و بودجه.
- پرکوبنکو، ژوزف (۱۳۸۰)، *مدیریت خصوصی‌سازی*، مترجمان: دردانه داوری و حسین اکبری، مرکز پژوهشی صنعتی آریانا.
- رحیمی بروجردی، علیرضا (۱۳۶۹)، *سیاستهای اقتصاد کلان و اصلاحات ساختاری*، مؤسسه کمال علم.
- سازمان برنامه و بودجه (۱۳۷۲)، «*خصوصی‌سازی: درسهایی از تجربیات*»، گزارش بانک جهانی.
- کابلی زاده، احمد (۱۳۸۴)، «*خصوصی‌سازی مردمی، کارآیی همراه با عدالت*»، دفتر مطالعات اقتصادی وابسته به مرکز پژوهشهای مجلس شورای اسلامی.
- متوسلی، محمود (۱۳۷۳)، «*خصوصی‌سازی یا ترکیب مطلوب دولت و بازار در توسعه اقتصادی*»، مؤسسه مطالعات و پژوهشهای بازرگانی.